تحلیل و ارزیابی گونه‌های روایات تفسیری سوره حمد بر محور نورالثقلین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۹

نجمه نجم [۱]
مهدی مهریزی [۲]
محمد علی مهدوی‌راد [۳]
سید محمدعلی ایازی [۴]

چکیده

دیدگاه‌های مختلف مطرح شده درباب رابطه قرآن و حدیث و میزان نقش روایات تفسیری در تفسیر قرآن، تاکنون بر پایه‌های فرضی و نظری پیش‌رفته است. بر این اساس، تلاش‌های انجام‌شده، در خلأ یک جامعه آماری عینی از انواع روایات تفسیری صورت‌گرفته و مشخص نیست سهم هر یک از گونه‌ها و مهم‌تر از آن سهم گونه‌های تأثیرگذار در تفسیر قرآن به چه مقدار است؟ این مقاله بر اساس تفسیر جامع و شیعی نورالثقلین، فراوانی گونه‌های کلِّ روایات تفسیری سوره حمد را بر اساس دو مقوله کمّی و کارکردی مورد بررسی قرار داده و مراحل اعتبارسنجی مبتنی بر کنترل جزء و کل پایایی انجام شده است. روش این مقاله کیفی و تکنیکِ تحلیل اسنادی آن، تفسیر متن بر اساس داده‌های کمّی است.

نتیجه این بررسی در سوره حمد، حاکی از آن است که گونه تفسیری «روایات مفهومی» پردامنه‌ترین، موثرترین و نزدیک‌ترین نوع گونه به مقصد تفسیر است. این نکته دلالت بر

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. N.najm313@yahoo.com.
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Toosi217@gmail.com
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دغدغه‌مندی اهل بیت علیهم‌السلام در توضیح محتوا و مفاهیم آیات بر اساس مدل مفهومی در اقسام مختلف دارد که در نهایت منجر به شناخت فضای صدور روایت، سطح مخاطبان و اقتضائات فرهنگی، علمی و اجتماعی آن دوره خواهد شد؛ ضمن آن‌که نسبت فراوانی این گونه روایت با جامعه آماری کل روایات تفسیری، و تعداد روایات بی‌ارتباط تفسیری و روایاتی که تاثیر مستقیم در تفسیر قرآن ندارند، نشان‌گر آن است که رویکرد ائمه در ذکر روایات، تعلیمی بوده و تفسیر قرآن دارای وابستگی تام به این نوع روایات نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها: روایات تفسیری، گونه ایضاح مفهومی، تفسیر نورالثقلین، سوره حمد.

مقدمه

قرآن و حدیث به عنوان دو منبع معتبر اسلامی، محور بحث‌های نظری مختلف میان اندیشمندان شیعه و سنی بوده است. مباحث اساسی مختلفی بین این دو منبع قابل طرح و بررسی است؛ از جمله تبیین رابطه قرآن و حدیث که محور اختلاف دیدگاه‌ها در این موضوع و بالتبع در موضوعات مرتبط با آن است. در همین رابطه، جایگاه روایات تفسیری در حوزه تفسیر قرآن از جمله موضوعاتی است که یکی از مسائل مهم آن، بررسی میزان نقش روایات تفسیری و تعیین نوع وابستگی آن به حوزه تفسیر است.

نکته مهم آن است که دیدگاه‌های مختلف مطرح‌شده در باب رابطه قرآن و حدیث و میزان نقش روایات تفسیری در تفسیر قرآن، همه جنبه نظری داشته و یا برگرفته از تصویری کلی از روایات تفسیری یا گزارش‌های آماری محدود به یکی از ائمه معصوم علیهم‌السلام بوده است. لذا این اظهارنظرها و دیدگاه‌های مختلف، متکی به یک جامعه آماری کامل و عینی نیست. البته هر چند اکثر صاحب‌نظران در این حوزه اتفاق نظر دارند که برخی از گونه‌های روایات تفسیری در حیطه تفسیر قرآن نقش‌آفرین است؛ اما مسأله اصلی دقیقاً در همین جا به وجود می‌آید که طرح این دیدگاه‌ها و تلاش در جهت اثبات یا رد یکی از آنها، در خلأ یک جامعه آماری عینی از انواع روایات تفسیری صورت گرفته، و مشخص نیست سهم هر یک از گونه‌ها و مهم‌تر از آن سهم گونه‌های تأثیرگذار در تفسیر قرآن (از دیدگاه آن صاحب‌نظران) به چه مقدار است؟

بنابراین از نظر منطق علمی، مبنای شروع، دست‌یابی به جامعه آماری کامل از گونه‌های مختلف روایات تفسیری و سپس اظهارنظر و تولید نظریه در مسائل مختلف پیرامون رابطه قرآن و حدیث است.[5] در این مقاله، تحلیل و ارزیابی گونه‌های تفسیری سوره حمد بر مبنای

۵. دست‌یابی به این هدف (تهیه جامعه آماری از کل سوره‌های قرآن بر اساس طبقه‌بندی گونه‌های روایات تفسیری) دغدغه اصلی یک گروه علمی از دانشجویان دکتری رشته علوم قرآن و حدیث بود که به دلایلی این امر در قالب یک کار

نورالثقلین به عنوان تفسیر جامع روایی شیعه و طبقه‌بندی آن‌ها مورد توجه است تا بتوان گام اول را در جهت دست‌یابی به تصویری عینی و آماری (نه فقط فرضی و نظری) از میزان نقش روایات تفسیری در حوزه تفسیر برداشت. روشن است پس از تحقق جامعه آماری کامل و عینی که مبنای علمی مهمی در پرداختن به مسائل مربوط به رابطه قرآن و حدیث است، زمینه مطلوبی در جهت نظریه‌پردازی و طرح دیدگاه در این عرصه فراهم خواهد شد.

از این رو در این مقاله برآنیم بدانیم فراوانی گونه‌های تمامِ روایات تفسیری سوره حمد از حیث کمّی و کارکردی به چه صورت است؟ یا در قالب سوالات جزئی‌تر، فراوانی گونه‌های مختلف روایات تفسیری بر محور هر معصوم و در هر دوره به چه شکلی است؟ فراوانی گونه‌های مختلف روایات تفسیری بر محور هر کتاب به چه صورت است؟ جایگاه کدام گونه‌ها نسبت به گونه‌های دیگر روایات تفسیری از حیث کمّی و کارکردی برتری دارد؟ فراوانی گونه برتر، بر اساس کارکردهای مختلف روایات تفسیری چگونه قابل تحلیل است؟

روش این مقاله کیفی و تکنیکِ تحلیل اسنادی آن، تفسیر متن بر اساس داده‌های کمّی است که با رویکرد نظری - تحلیلی از طریق مقوله‌بندی استقرایی به تحلیل نتایج به دست آمده می‌پردازد. ساختار اصلی مقاله پس از طرح مباحث مقدماتی و روشی به ترتیب ذیل است:

فراوانی گونه‌های روایات تفسیری سوره حمد بر اساس مقوله کمّی و کارکردی؛ فراوانی گونه‌های مختلف بر محور هر معصوم؛ فراوانی گونه‌های مختلف بر محور کتاب و منبع؛ فراوانی گونه‌های مختلف بر محور دوره و قرن؛ تحلیل جایگاه گونه‌ها نسبت به یکدیگر از حیث کمّی و کارکردی؛ تحلیل رابطه گونه برتر با گونه‌های دیگر روایات تفسیری؛ تحلیل سهم تأثیرگذاری گونه برتر نسبت به گونه‌های غیرتأثیرگذار بر تفسیر.

۱. مباحث مقدماتی

۱-۱. پیشینه

مسأله گونه‌ها و انواع «روایات تفسیری» تا پیش از دهه‌های اخیر، به صورت جدّی مورد توجه پژوهندگان معارف قرآنی نبوده است. با این‌که پیشینیان خود در جمع‌آوری و تنظیم

گروهی محقق نشد. از این رو در جهت تحقق این مهم، مقرر شد گام‌هایی مقدماتی توسط برخی از اعضا برداشته شود تا زمینه‌ی کار جامع و نهایی فراهم آید. نگارنده این تحقیق، بر اساس بررسی کلّ روایات تفسیری سوره حمد، مقاله حاضر را تدوین کرده است.

روایات تفسیری تلاش تحسین برانگیزی از خود نشان داده‌اند، ولی چندان اشاره‌ای به تنوع و گوناگونی روایات نکرده‌اند.[۶] در دهه‌های اخیر شماری از پژوهندگان معارف قرآنی به بررسی، استقرا و نام‌گذاری این گونه‌ها اقدام نموده‌اند که هریک براساس ملاک‌هایی مبنای تقسیم‌بندی خود را شکل‌داده وگونه‌ها را سامان داده‌اند؛ برخی تقسیمات ارائه‌شده کلی[۷] و برخی دیگر با ملاک‌های جزئی‌تری مطرح شده است.[۸]

برخی ازکارهای انجام شده دراین حوزه، براساس گونه‌شناسی وتقسیمات محققان قبلی است که به همان صورت یا با تکمله واصلاحاتی به بررسی انواع گونه‌های تفسیری در روایات یکی ازاهل بیت علیهم‌السلام پرداخته است.[۹] یا برخی ازاثرهای دیگر مربوط به گونه‌شناسی موضوعی آیات قرآن است[۱۰] ودرمواردی انواع روایات تفسیری توسط محققان مورد بررسی قرار گرفته است.[۱۱]

به نظر می‌رسید پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد با نام «گونه‌شناسی روایات تفسیری درالبرهان فی تفسیرالقرآن»[۱۲] مرتبط‌ترین اثر با این مقاله باشد؛ اما دربررسی روشن شد که مسأله نگارنده اثر وسامان تحقیق او متفاوت وتقسیم گونه‌ها به طورکلی بوده است.

با وجود کارهای مفید انجام شده دراین مبحث، هنوزاثری جامع وعینی ازحیث آماری و تحلیلی برای انواع روایات تفسیری موجود نیست، لذا این مقاله گام اولیه درجهت تحقق این مقصود خواهد بود.

۱-۲. مفهوم‌شناسی

تعبیرهایی که لازم است دراین مقاله روشن شود، عبارت‌اند از:

---

۶. «گونه‌شناسی روایات تفسیری»، ص۱۷.

۷. «نقد وبررسی شاخصه‌های تفسیر، تأویل وتطبیق؛ جهت گونه‌شناسی وتفکیک روایات تفاسیرروایی»، ص۱۱۴-۱۳۰.

۸. «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی وحُجّیت»، ص۳-۳۶؛ جزوه جایگاه علم حدیث درفرهنگ اهل بیت، ص۹۲-۹۳؛ درآمدی برتفسیر جامع روایی، ص۱۱۳-۱۳۲؛ «تحلیلی ازجایگاه قرآن‌شناسی اهل بیت درروایات کلینی»، اینترنتی؛ «روش‌شناسی تفسیرموضوعی درروایات اهل بیت علیهم‌السلام»، ص۳۳.

۹. «گونه‌شناسی روایات امام رضا علیه‌السلام»، ص۳۷-۶۶؛ «گونه‌های روایات تفسیری امام سجّاد علیه‌السلام درحوزه تعیین مصداق»، ص۲۷-۶۶؛ «گونه‌ها وروش‌های تفسیرامام علی علیه‌السلام درروایات تفسیری اهل‌سنت»، ص۲۱-۴۰؛ «گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام صادق علیه‌السلام»، ص۵-۲۹.

۱۰. «گونه‌شناسی آیات مهدویت براساس روایات تفسیری»، ص۵۱-۷۸.

۱۱. «علامه مجلسی وتعامل با روایات تفسیری اهل بیت»، ص۵۴-۷۴.

۱۲. «گونه‌شناسی روایات‌تفسیری درالبرهان فی تفسیرالقرآن»، ص۹۰-۱۴۴و۱۶۶.

روایات تفسیری

روایاتی که به صورت مستقیم با قرآن ارتباط دارند، به دوگروه کلی تقسیم می‌شوند: برخی از این روایات به معرفی قرآن می‌پردازند و مباحثی از قبیل: جایگاه قرآن، قواعد فهم قرآن، مباحث علوم قرآنی، فضایل سورو... را در خود جای داده‌اند وگروه دوم، روایاتی هستند که به گونه‌ای به بیان مراد یک آیه می‌پردازند و یا زمینه‌های فهم آیه را فراهم می‌کنند. در این مقاله از گروه اول با نام «قرآن‌شناسی» و ازگروه دوم با عنوان «روایات تفسیری» یاد می‌شود.

برخی معتقدند هر روایتی که به گونه‌ای به تبیین مفاد آیات قرآن بیانجامد، روایت تفسیری است؛ حتّی اگر در آن، هیچ اشاره‌ای به آیه نشده باشد.[۱۳] دیگری بخشی از روایاتی که از ائمه علیهم‌السلام به دست ما رسیده و ناظر به تفسیر و تأویل آیات قرآن کریم است را روایات تفسیری می‌داند.[۱۴] تعریف برگزیده این مقاله این است: «روایت تفسیری، روایتی است که بخشی از آیه، در آن، مذکور باشد و یا روایت، ناظر به آیه‌ای باشد که خود آیه، در حدیث، مذکور نیست؛ اما حدیث، به بیان مراد خداوند در آن آیه پرداخته و یا زمینه فهم آن را فراهم ساخته است»؛[۱۵] چراکه به نظر می‌رسد تعریف نانوشته و ارتکازی صاحبان کتب تفسیر مأثور تأییدکننده این تعریف باشد.

گونه‌های روایات تفسیری

به لحاظ نوع کارکرد، روایات تفسیری به چند دسته تقسیم شده‌اند که اصطلاحاً به آن،گونه‌های روایات تفسیری گفته می‌شود. همان‌طورکه اشاره شد، تقسیم گونه‌های روایات تفسیری در آثار مختلف به صورت کلی یا با کارکردهای جزیی‌تر و اقسام بیشتر ارائه شده که در برخی از تقسیمات هم‌پوشانی وجود دارد و در برخی از آن‌ها دقت لازم در تفکیک اقسام صورت نگرفته است. برخی از منظر متفاوت به تقسیم گونه‌ها پرداخته و در مواردی به نظر می‌رسد نوع تقسیم‌بندی با هدف تفسیر، سازگاری نداشته باشد.[۱۶]

گونه‌های مطرح‌شده در مقاله «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حُجّیت»،[۱۷] دارای جامعیت، انسجام و اشکالات کمتری بوده که با اندکی تصرف و اصلاحات، مبنای

---

۱۳. «طرحی نو در تبیین غنای تفسیری در احادیث اهل بیت»، ص۲۷۰.

۱۴. «علامه مجلسی و تعامل با روایات تفسیری اهل بیت»، ص۵۴.

۱۵. «روایات تفسیری شیعه،گونه‌شناسی و حُجّیت»، ص۳۰.

۱۶. «جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن»،پایگاه اینترنتی؛«گونه‌شناسی روایات تفسیری»، ص۱۹-۲۰.

۱۷. «روایات تفسیری شیعه،گونه‌شناسی و حُجّیت»، ص۳۳-۳۶.

تقسیم‌بندی روایات تفسیری در این مقاله است:

۱. **ترسیم فضای نزول**: در روایات مرتبط با مفهوم شأن یا اسباب نزول که اشاره به بیان زمینه‌ها و شرایط نزول یک یا چند آیه دارد، بعضاً دایره‌ای فراخ‌تر به چشم می‌خورد؛ چرا که گاه شرایطِ پیش از نزول، ترسیم می‌شود و گاه بازتاب‌های پس از نزول، به تصویر در می‌آید. به جهت این گستردگی، گمان می‌رود تعبیر «ترسیم فضای نزول»، گویاتر و جامع‌تر از تعابیر رایج قبل باشد.

۲. **ایضاح لفظی**: برخی از احادیث، یک واژه (لفظ) را در آیات قرآنی معنا می‌کنند که آن را ایضاح لفظی می‌نامیم.

۳. **ایضاح مفهومی**: مراد از ایضاح مفهومی، آن است که حدیث، به توضیح و تبیین نسبت در آیه می‌پردازد؛ نسبت میان یک جمله یا چند جمله مراد است.

۴. **ارائه مصداق**: روایت‌های فراوانی در دست است که به ذکر مصداق آیات می‌پردازند؛ در حالی که بر پایه قواعد زبانی و تفسیری نمی‌توان این مصادیق را مصداق انحصاری آیه دانست، و غالب این روایات نیز دلالتی بر انحصار ندارند.

۵. **لایه‌های معنایی و بطن**: یکی از وجوه تازگی و نو بودن قرآن، اشتمال این کتاب بر بطون یا لایه‌های معنایی (تأویلات) است؛ بدین‌سان که یک عبارت یا سیاق آن می‌تواند در خود، معانی متعدد طولی را همراه داشته باشد که بر فهم‌های مختلف، آشکار می‌گردند. بخشی از روایات تفسیری به بیان این لایه‌های معنایی پرداخته است.

۶. **علت حکم**: در برخی از روایات تفسیری، علت و حکمت حکم مذکور در آیه تشریح می‌گردد.

۷. **استناد به قرآن**: گاهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا ائمه علیهم‌السلام حکمی را بیان و مستند آن را از قرآن ذکر کرده‌اند. به سخن دیگر، مطلبی یا حکمی بیان شده و برای قانع ساختن مخاطب یا سؤال‌کننده و یا برای تعلیم چگونگی استفاده از قرآن، مستند قرآنی آن مطلب یا حکم، بازگو گردیده است.

۸. **پاسخ با قرآن**: گاه در لابه‌لای روایات تفسیری، در پاسخ به پرسش، پیامبر یا امام، تنها به قرائت آیه‌ای از قرآن، اکتفا کرده است؛ بدون آن که به شرح آن یا توضیح و انطباقش بر مورد بپردازد.

در تفاوت بین شماره‌های ۶ و ۷ و ۸ می‌توان گفت: در گونه علت، سؤال‌کننده می‌داند که

خداوند چنین فرموده، ولی از علت و حکمت آن سوال می‌کند تا علت برایش روشن شود؛ در گونه استناد، سوال با آیه توضیح داده شده و مستند می‌شود تا جایگاه امام روشن شود؛ و در گونه پاسخ‌گویی، مخاطب در حقیقت، جاهل است و می‌پرسد تا مراد را دریابد.

۹. قرائات مختلف: در روایت‌های تفسیری منسوب به ائمه علیهم‌السلام موارد متعددی به بیان اختلاف قرائت‌ها (در قرائت آیات) پرداخته‌شده است و بررسی آن در روایات تفسیری بدان علّت است که گاه بیان قرائت‌های مختلف موجب تفسیر متفاوت آیه می‌شود.

۱۰. تعلیم تفسیر: در روایات تفسیری به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که چگونگی تفسیر یا استفاده از آیات را تعلیم می‌دهند.[۱۸]

تا بدین‌جا توضیح مختصری درباره گونه‌های مختلف روایات تفسیری مطرح شد. در بررسی کتب تفاسیر روایی از جمله تفسیر *نورالثقلین*، روایات دیگری نیز ذکر شده که در زمره گونه روایات تفسیری نیست؛ اما به جهت جامع‌بودن تقسیم کمّی و بررسی کامل روایات، لازم است عناوین دیگری در دو بخش در نظر گرفته شود.

بخش اول، عناوینی که آیات و تفسیر آیات در آن موضوعیت دارد؛ ولی به عنوان گونه روایات تفسیری قابل تقسیم نیست، و به قرار ذیل است:

۱۱. **دیگر:** (موارد دیگری که در روایت تفسیری هست و جزو گونه‌های ذکرشده و طبقه‌بندی موجود نیست) البته مواردی که به نوعی مرتبط با تفسیر باشد و یا روایاتی که شامل فضیلت سور و خواص آیات بوده، مسلماً شامل این قسمت نمی‌شود؛ چرا که مربوط به مباحث قرآن‌شناسی است نه تفسیر.

۱۴و۱۳و۱۲. بی‌ارتباط: در کتب تفسیری روایی، مواردی به چشم می‌خورند که نمی‌توان آن‌ها را روایت تفسیری قلمداد کرد؛ بلکه تنها با معنا و مضمون آیه ارتباط دارند، که به گمان نگارندگان، باید این احادیث را بی‌ارتباط شمرد.

با این توضیح که:

شماره ۱۲: بی‌ارتباطِ تفسیری است؛ یعنی آیه‌ای در متن روایت نیست، ولی در مورد یک موضوع مرتبط با قرآن صحبت می‌کند.

شماره ۱۳: یا بی‌ارتباط تفسیری است؛ یعنی آیه در متن روایت هست، ولی در مورد موضوع کلی آن یا موضوعی دیگر سخن می‌گوید، نه در تفسیر آن آیه.

---

۱۸. همان.

شماره ۱۴: بی‌ارتباطِ موضوعی است به این معنا که آیات متعدد در سور مختلف را در آن موضوع ذکر کرده و یا این‌که صدر و ذیل آیه را مورد بحث قرار داده است.

۱۵. مبین ارتباطی آیات: ذیل آیه مورد بحث، آیات مرتبط دیگر در روایت ذکر شده است.

بخش دوم، عناوینی که یا تکرار روایات تفسیری است و در طبقه اصلی روایات تفسیری جایگاهی ندارد و یا این‌که قول مفسر است و مباحث استطرادی را در بر می‌گیرد؛ اما همچنان که ذکر شد برای تجمیع کمّی و تحلیل کیفی، آمار آن لازم است. و عناوین آن عبارت‌اند از:

۱۶. تکراری: عین روایت تفسیری در شماره‌ای دیگر تکرار شده که در این صورت، به عنوان تکراری آمارگیری می‌شود.

۱۷. قول مفسر: البته موارد دیگری هم در کتب تفسیر روایی، علاوه بر منقولات از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام آمده که سخن مفسّران است، بدون آن که مستند به حدیث باشد. حتّی این موارد در کتب شیعه هم وجود دارد با آن که شیعه، برای سخن غیر معصوم، اعتبار و حُجّیتی قایل نیست و مسلماً این موارد در زمره روایات تفسیری به شمار نمی‌آید. در این مورد ممکن است در نگاه اول به تناسب روایت در زمره گونه‌های تفسیری به حساب آید ولی با دقت روشن می‌شود که توضیح ذکر شده ذیل آیه، قول مفسر است، نه معصوم.

۱۸. استطرادی: روایت ذکرشده به طور کلی از موضوع سوره و تفسیر خارج است.

۱۹. قرآن‌شناسی: روایاتی که حاوی ظهر و بطن، فضیلت و خواص سوره، مباحث علوم قرآنی و... باشند با نام قرآن‌شناسی طبقه‌بندی شده‌اند.

موارد ذکرشده، در این مقاله به همین ترتیب و با همین شماره‌ها در سوره حمد مورد بررسی قرارگرفته و در قالب روایات تفسیری آن سوره گونه‌شناسی شدند.

۱-۳. ضرورت دست‌یابی به کمّیت روایات تفسیری

ضرورت دست‌یابی به کمیت صحیح در مورد روایات تفسیری را می‌توان این چنین توضیح داد: بحث روایات تفسیری، موجب دغدغه برای برخی علما و نقطه عطف نظرات مختلف در رابطه قرآن و حدیث و حتی در پذیرش و عدم پذیرش حجیت خبر واحد ثقه در غیر فقه بوده است؛ به طور مثال:

- نگرانی برخی از صاحب نظران[۱۹] از عدم استفاده روایات تفسیری با پذیرش عدم حجیت خبر ثقه و محروم ماندن از استفاده نکات تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام حایز

۱۹. «کاربرد حدیث در تفسیر»، ص۱۴۰؛ «جایگاه روایت در تفسیر قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله معرفت»، ص۶۸.

اهمیت است.

- از سوی دیگر، ظهور و پیدایش جریان‌ها و رویدادهای غم‌انگیز در بستر تاریخ حدیث و تفسیر؛ چون غالیان و افراط‌گران، پیدایش و نفوذ اسرائیلیات در دانش تفسیر و حدیث، و نیز حذف تدریجی سندهای روایات تفسیری و فراهم‌شدن زمینه برای دروغ‌پردازی و سم‌پاشی در فضای فکری و علمی مسلمانان، همه و همه، در آلوده ساختن و آمیختن سخنان معصومان علیهم‌السلام با ناپاکی‌های بیرونی بی‌تأثیر نبوده است.

- نکته مهم آن‌که بخشی از این مواردِ نادرست در منابع تفسیر روایی شیعه راه یافته و در صورت غفلت از آن، آسیب‌های جدی‌تری بر فهم قرآن و حدیث وارد خواهد شد؛ هم‌چنان‌که تاکنون نیز، خواسته یا ناخواسته برداشت‌های ناصوابی از برخی از آیات قرآن در اثر وجود چنین روایات ساختگی و اسرائیلی در میان روایات تفسیری شده است.[20]

توجه به این آسیب‌ها و حل و فصل دغدغه پیش‌گفته، از جمله مواردی است که با واکاوی آماری صحیح، قابل پاسخ‌گویی است. آمار دقیق در این مورد روشن‌کننده میزان نقش تعیین‌کننده یا مساعدتی روایات تفسیری در فهم آیه بوده و نشان خواهد داد که اگر برخی از این روایات نباشند و یا باشند و حجت نباشند، چه مقدار موجب خلل در فهم تفسیر خواهد شد.

با عنایت به موضوع مقاله، دو راه، پیش روی این مقاله است:

- در راه اول به لحاظ نظم منطقی شایسته است که قبل از شکل‌گیری جامعه آماری، مرحله پالایش این روایات از حیث سند، محتوا و اسناد بررسی گردد و در صورت صحت آن، مرحله آمار و طبقه‌بندی آن صورت پذیرد؛ ولی به کارگیری این روش، گرچه در روایات فقهی رایج است، ولی در حوزه روایت تفسیری دست‌کم به دو جهت، ناروا خواهد بود: جهت نخست، آن که بخش زیادی از این روایات، بدون سند یا دارای سند ضعیف است و در نتیجه اجرای این روش، انبوهی از آن‌ها را از درجه اعتبار ساقط می‌کند. و جهت دوم، آن که حتی اگر هم روایات یادشده دارای سند باشند، ولی به دلیل اندک بودن روایات متواتر و قطع‌آور در میان آنها، مقدار زیادی از این روایات، ظنّی و گمان‌آور خواهد بود. و این روایات، چنان که گذشت، دست‌کم نزد برخی از عالمان، قابل تعبّد و شایسته حجیّت و اعتبار نیست؛ چرا که مربوط به مباحث اعتقادی و تفسیر

۲۰. «آسیب‌شناسی روایات تفسیری»، ص۳۲۲.

است و در این امور راهی برای تعبّد نیست.

- دومین راه، روش بازکاوی محتوایی، بررسی متنی، مطالعه نقادانه، روش‌شناسی و آسیب‌شناسی یکایک روایات مورد نظر، و سنجش آن‌ها با معیارهای پذیرفته‌شده و قطعی است. بی‌گمان تنها راه یا بهترین روشی که می‌تواند با حفظ و نگهداری از اصل سرمایه به یادگارمانده از معصومان علیهم‌السلام، سلامت آن را نیز تضمین نماید، همین روش اخیر است.[۲۱]

بر این اساس، این مقاله بر اساس راه دوم، جهت زمینه‌سازی بازکاوی محتوایی، در پی فراوانی انواع گونه‌ها است تا تمهیدات لازم را برای بررسی محتوایی آماده سازد؛ چرا که روشن است شناخت دقیق‌تر انواع گونه‌ها به فهم راحت‌تر این روایات منجر خواهد شد.

۲. توضیح روش

با عنایت به تقسیم‌بندی روش‌های مختلف تحقیق کیفی و قابلیت ترکیب آن با مباحث کمّی که پیچیده و مسأله‌انگیز است، اتفاق نظری در این زمینه وجود ندارد. روش تحقیق کیفی بر محور تحلیل داده‌های کمّی را می‌توان روشی برای تفسیر محتوایی داده‌های کمّی از طریق فرایندهای «طبقه‌بندی نظام‌مند»، «کدبندی»، و «تِم‌سازی» یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. با تحلیل کیفیِ داده‌های کمّی می‌توان رویکرد نظریِ انتزاعی موجود را، روش‌شناسانه، کنترل‌شده و مرحله به مرحله با «کاربردی کردن مقوله استقرایی» به طور عینی مورد بررسی قرارداد و نظریه‌ای متناسب با حقایقِ داده‌های کمّی ارائه کرد که این مقاله به دنبال آن است.[۲۲] این مقاله بر اساس الگوی روشی که در نمودار ذیل ترسیم گردیده انجام شده است:

۲۱. «آسیب‌شناسی روایات تفسیری»، ص۳۲۲-۳۲۳.

۲۲. ر.ک: مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، ص۱۷۲؛ درآمدی بر روش تحقیق کیفی، ص۹۸؛ روش تحقیق کیفی، ج۲، ص۵۵-۱۶۳.

نمودار ۱: مرحلهٔ کاربرد مقولهٔ استقرایی در تحقیق کیفی[۲۳]

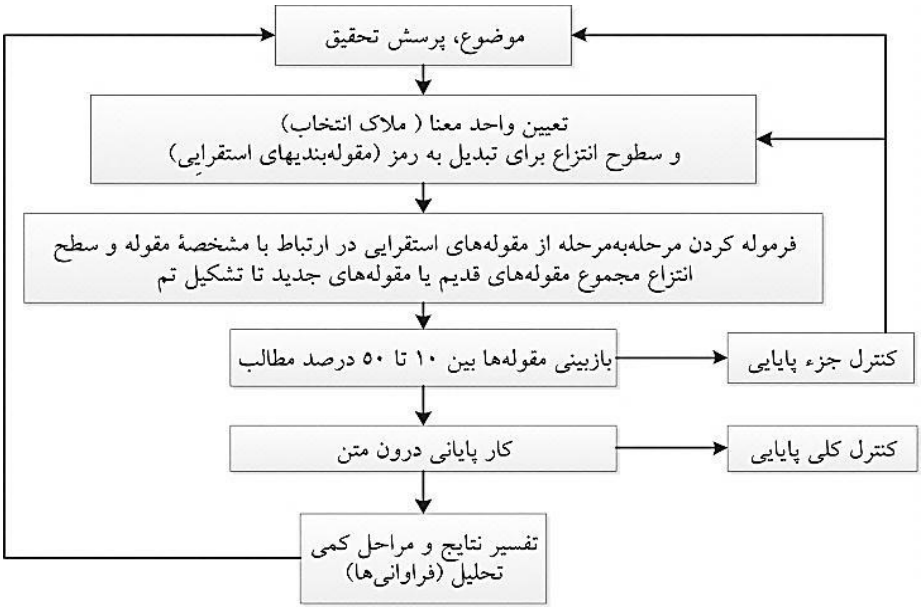

ابتدا گزینش منبعی مناسب برای بررسی فراوانی گونه‌های روایت تفسیری مدّنظر بود. از میان جوامع تفسیری به دلیل جامعیت و شیعی‌بودن، تفسیر *نورالثقلین*[۲۴] انتخاب شد، که حدود ۱۳۴۲۲ حدیث دارد.[۲۵]

درگام بعد انتخاب مبنایی درگونه‌شناسی مهم بود تا نسبت گونه‌های روایات تفسیری با یکدیگر مشخص شود. ازاین روبر مبنای گونه‌شناسی برگزیده این مقاله، جدولی برحسب نام اختصاری هرگونه طراحی شد تا پس ازتکمیل جداول واتمام کار، براساس آن، اطلاعات تنظیم وساماندهی شود ونمونه‌های کمّی به دست آید.

درمرحله بعد مقوله‌بندی طبق جدول زیرانجام شد:

۲۳.«تحلیل محتوای کیفی»، ص۳۵.

۲۴. این تفسیرنوشته محدّث مفسّر، عبد علی فرزند جمعه حویزی، درگذشته ۱۱۱۲ق است که به وسیله آقای سیّدهاشم رسولی محلاّتی، تصحیح وبا مقدّمه مرحوم علاّمه طباطبایی وزیرنظرایشان، درپنج مجلّد منتشرشده است. علامه طباطبایی درمقدمه‌ای که براین تفسیردارد، می‌نویسد: یکی ازمهم‌ترین آثاردرزمینه تفسیرروایی،کتاب ارزشمند «*نورالثّقلین*» است (*تفسیرنورالثقلین*، ج۱، مقدمه تفسیر).

۲۵. تفسیرنورالثقلین، کل مجلدات.

جدول ۲: تم، مقوله‌ها، زیرمقوله‌ها و کدهای ذیل مساله مقاله

تم	
فقدان داده کمّیِ عینی در مورد گونه‌های روایات تفسیری (برای رد یا پذیرش نظریات مختلف انتزاعی در رابطه با میزان تأثیر روایات تفسیری بر تفسیر قرآن)	
مقوله یک	**مقوله دو**
گونه‌بندی روایات تفسیری از حیث کمّی (دست‌یابی به نسبت کمّی گونه‌های مختلف روایات تفسیری با یکدیگر)	بررسی گونه‌های روایات تفسیری از حیث کارکردی
زیرمقوله‌های مقوله یک	**زیرمقوله‌های مقوله دو**
۱. ترسیم فضای نزول ۲. ایضاح لفظی ۳. ایضاح مفهومی ۴. ارائه مصداق ۵. لایه‌های معنایی و بطن ۶. علت حکم ۷. استناد به قرآن ۸. پاسخ با قرآن ۹. قرائات مختلف ۱۰. تعلیم تفسیر ۱۱. دیگر ۱۴و۱۳و۱۲. بی‌ارتباط تفسیری و موضوعی ۱۵. مبین ارتباطی آیات برخی هر چند جزو طبقه‌بندی گونه‌شناسی روایات تفسیری جای نمی‌گیرد؛ اما در بررسی روایات با این موارد روبرو خواهیم شد: ۱۶. تکراری ۱۷. قول مفسر ۱۸. استطرادی ۱۹. قرآن‌شناسی دامنه بررسی: تمام روایات تفسیری سوره حمد	***گونه دارای تأثیر مستقیم در تفسیر:** ایضاح مفهومی نشانه کشف معنا و مقصود آن، توضیح آیات است و بدین لحاظ ارتباط جدی‌تر و عمیق‌تری بین آن و تفسیر در قیاس با گونه‌های دیگر وجود دارد. ***گونه دارای تأثیر غیر مستقیم در تفسیر:** مثل ترسیم نزول و بیان اختلاف قرائت تأثیرشان در تفسیر غیر مستقیم است. ***گونه به عنوان مقدمه تفسیر:** یا به مثابه مقدمات تفسیر عمل می‌کنند؛ مثل ایضاح لفظی. ***گونه کمک کننده و تکمیل‌کننده تفسیر:** مثل گونه بیان مصداق و بیان لایه‌های مفهومی و بیان علت حکم یا استناد به قرآن. ***گونه در صدد تعلیم روش تفسیرکردن:** مثل گونه تعلیم تفسیر. ***گونه بی‌ارتباط با تفسیر:** روایات بی‌ارتباط تفسیری (گونه بی‌ارتباط الف و ب) و روایات بی‌ارتباط موضوعی (گونه بی‌ارتباط ج)، از نظر محتوایی ارتباطی با مباحث تفسیری ندارند. * روایات مربوط به گونه‌های "تکراری"، "قول مفسر"، "استطرادی" و "قرآن‌شناسی" به عنوان روایت تفسیری شناخته نمی‌شوند.

			کدها
مابقی گونه‌ها با توجه به کارکرد ذکر شده، هرچند در اثبات نظریه ارتباط معنادار روایات در تفسیر قرآن و وابستگی تفسیر قرآن به روایات، نقشی ایفا نمی‌کند؛ اما به عنوان شاهد بر آن نظریه تأثیرگذاری دارد.	هرچه تعداد روایات بی‌ارتباط تفسیری بیشتر باشد، نشان‌گر عدم تأثیر روایات در تفسیر قرآن، و ردّ نظریه وابستگی تفسیر به روایات است.	هرچه تعداد روایات ایضاح مفهومی بیشتر باشد، نشان‌گر تأثیر مستقیم این روایات در تفسیر قرآن و اثبات‌گر نظریه ارتباط معنادار روایت در تفسیر قرآن است.	روایات «تکراری»، «قول مفسر»، «استطرادی» و «قرآن‌شناسی» تأثیری در رد یا پذیرش نظریات مربوط به تأثیر روایت در تفسیر ندارد.

پس از تنظیم نهایی جدول، فراوانی روایات تفسیری سوره حمد؛ نسبت آیات سوره حمد با کل آیات، سپس نسبت روایات سوره حمد با کل روایات استخراج شد. بر اساس مقوله، نتایج اولیه نسبت گونه‌های روایات تفسیری از حیث کمّی و کارکردی روشن شد و متناسب با زیر مقوله و کدها تحلیل صورت گرفت.

برای اعتبارسنجی نظرات متفاوتی مطرح است. صرف نظر از نظرات متفاوت، قابلیت اعتماد در پژوهش‌های کیفی مبتنی بر داده کمّی در ایجاد طرح‌ریزی خوب جهت کدگذاری است.[۲۶] در این تحقیق برای اعتبارسنجی، علاوه بر طرح‌ریزی مناسب برای کدگذاری، برای کنترل و پایایی نتایج، دو کار انجام شد: ۱) جهت غربال‌گری و کاهش ضریب خطا مقرر شد تعیین نوع گونه هر روایت، دو بار توسط نگارنده مورد بررسی قرار گیرد. ۲) نتایج داده‌های کمّی به دست آمده از سوره حمد، بر اساس هر معصوم، دوره‌های مختلف زمانی (شرایط و اقتضائات متفاوت هر دوره)، بر اساس نقل از منابع مختلف با درجات اعتبار متفاوت، مورد بررسی قرار گیرد تا روشن شود نتایج حاصل‌شده به اعتبار هر معصوم، دوره و قرن مختلف، منبع و کتابی که روایت تفسیری از آن نقل‌شده، به چه صورتی است؛ تأییدکننده نتایج اولیه است یا تأثیرگذاری روایات تفسیری بر تفسیر قرآن بنا بر دوره‌های مختلف و منابع مختلف، متفاوت خواهد بود.

۲۶. «تحلیل محتوای کیفی»، ص۴۰-۴۴؛ *روش تحقیق کیفی*، ج۲، ص۱۶۶-۲۲۹.

جدول شماره۳: کنترل و پایایی

کنترل جزء پایایی	کنترل کل پایایی
بازبینی کل مقوله‌ی گونه شناسی روایات تفسیری از حیث کمّی و کارکردی	با سنجش و بررسی گونه‌های مختلف روایات تفسیری، به اعتبار معصوم
نتایج بازبینی، تایید کننده نتایج اولیه است؟ بله تایید کننده است.	با سنجش و بررسی گونه‌های مختلف روایت تفسیری به اعتبار کتاب و منبع
	با سنجش و بررسی گونه‌های مختلف روایت تفسیری به اعتبار دوره و قرن
	سنجش و بررسی بر اساس دوره‌های مختلف زمانی و مکانی معصومان، رسالت متفاوت معصومان با عنایت به شرایط متفاوت فرهنگی و اجتماعیِ دوره هر معصوم، نقل روایات در کتب معتبر یا نامعتبر، نتایج اولیه را تایید می‌کند؟ یا بر حسب تفاوت شرایط، نتایج متفاوت خواهد شد؟ بله تایید کننده است.

۳. فراوانی گونه‌های روایات تفسیری سوره حمد بر اساس مقوله کمّی و کارکردی

جلد اول تفسیر *نورالثقلین* شامل سوره‌های حمد و بقره است که جمع‌بندی حاصل از آمار گونه‌های تفسیری سوره حمد بدین شرح است:[۲۷] سوره حمد با داشتن ۷ آیه از مجموع آیات کل قرآن، شامل حدودا ۱۱٪. (یازده صدم درصد) از کل آیات است. همچنین از مجموع ۱۳۴۲۲ روایات تفسیری نقل‌شده در تفسیر *نورالثقلین*، روایات ذیل سوره حمد ۱۱۴ روایت است که حدودا ۸۵٪. (هشتاد و پنج صدم درصد) کل روایات تفسیر *نورالثقلین* را در بر می‌گیرد. بر اساس مقوله‌های گونه‌بندی روایات تفسیری سوره حمد از حیث کمّی و کارکردی، نمودار فراوانی گونه‌ها بدین شکل است:

۲۷. جمع‌بندی نهایی بر اساس ۱۱۴ سوره پس از بررسی‌های علمی سایر محققان فعال در این موضوع، به دست خواهد آمد.

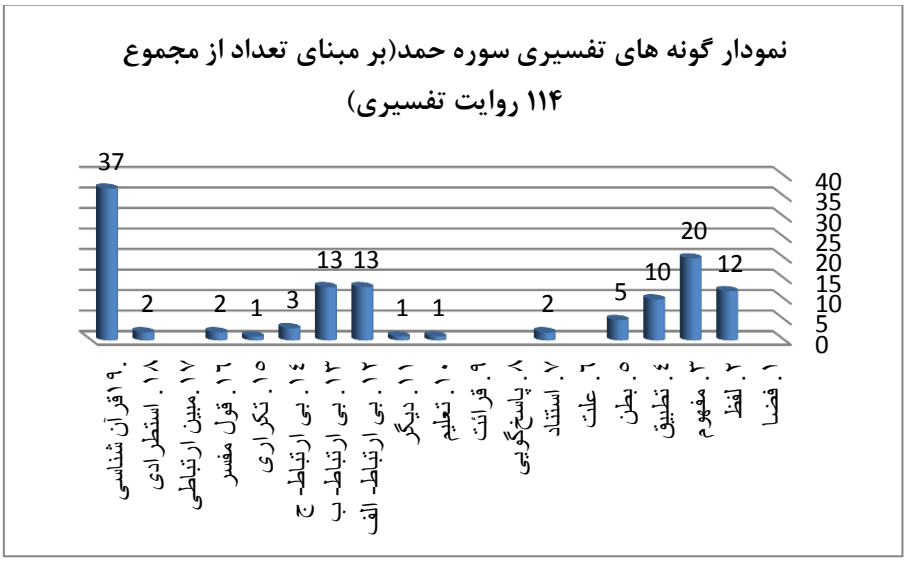

نکته: تعداد روایات تفسیری سوره حمد ۱۱۴ عدد بوده که جمع روایات درجدول فوق ۱۲۲ عدد شده است. این افزایش به دلیل احتساب چند گونه دربرخی روایات است؛ به طورمثال روایت شماره ۷۳ هم دارای گونه مفهومی است وهم تعلیم. همچنین با توجه به توضیحات ارائه‌شده درمباحث مقدماتی، روایات قرآن‌شناسی محلّ بحث ما نخواهد بود.

بدین ترتیب گونه روایت تفسیری مفهومی (۲۰ عدد) که دارای تأثیرگذاری مستقیم برتفسیر است، روایات بی‌ارتباط (ب) وبی‌ارتباط (الف) هرکدام (۱۳عدد) که تأثیری برتفسیرقرآن ندارند، وگونه لفظ (۱۲عدد) - که به مثابه ابزارمقدماتی برای تفسیراست - دارای رتبه‌های اول تا سوم هستند.

معصوم(ع)	فحنا	لفظ	مفهوم	تطبیق	بطن	علت	استناد	پاسخ گویی	قرائت	تعلیم	دیگر	بی ارتباط- الف	بی ارتباط- ب	بی ارتباط- ج	تکراری	قول مفسر	مبین ارتباطی	استطرادی	قرآن شناسی
امام باقر		۱										۲	۱	۱					۳
امام باقر از نبی												۱							
امام حسن																			۱
امام حسن عسکری و امام صادق و امام سجاد از امام علی		۱	۱													۱			
امام رضا		۲	۵									۲	۱	۱					۳
امام رضا- امام علی																			۱
امام سجاد			۱									۱	۱						
امام صادق		۷	٤	٦	٤		۱					۵	۸		۱			۱	۲۰
امام صادق از امام باقر																		۱	۱
امام صادق از نبی			۱								۱								۱
امام عسکری از امام رضا				۱															
امام عسکری- امام علی			۲		۱		۱												
امام عسکری- امام علی و نقل از امام رضا			۱							۱									
امام عسکری- نبی			۱																۱
امام علی													۱						۲
امام کاظم		۱																	
نبی			٤	۲								۱	۱			۱			۳
نبی و امام علی				۱															
ندارد												۱		۱					۱
مجموع	۰	۱۲	۲۰	۱۰	۵	۰	۲	۰	۰	۱	۱	۱۳	۱۳	۳	۱	۲	۰	۲	۳۷

۴. فراوانی گونه‌های مختلف بر محور هر معصوم علیهم‌السلام

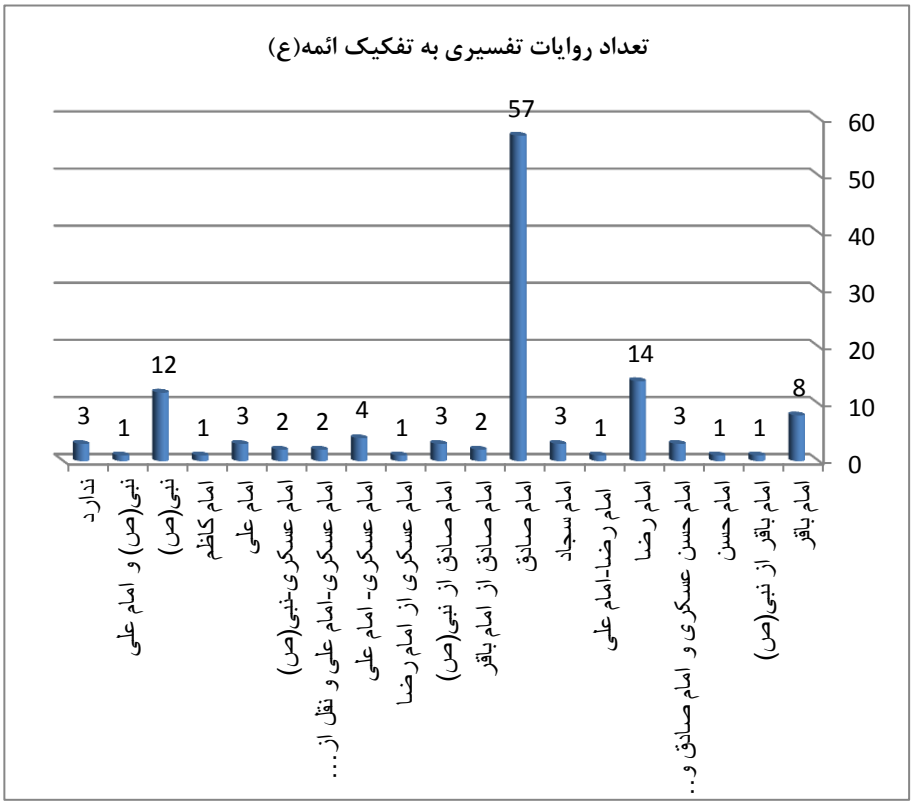

بیشترین آمار نقلِ روایت، به ترتیب متعلق به امام صادق، امام رضا علیهم‌السلام و نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است. تفکیک نوع گونه روایات نقل‌شده از ایشان، در نمودارهای ذیل آمده است:

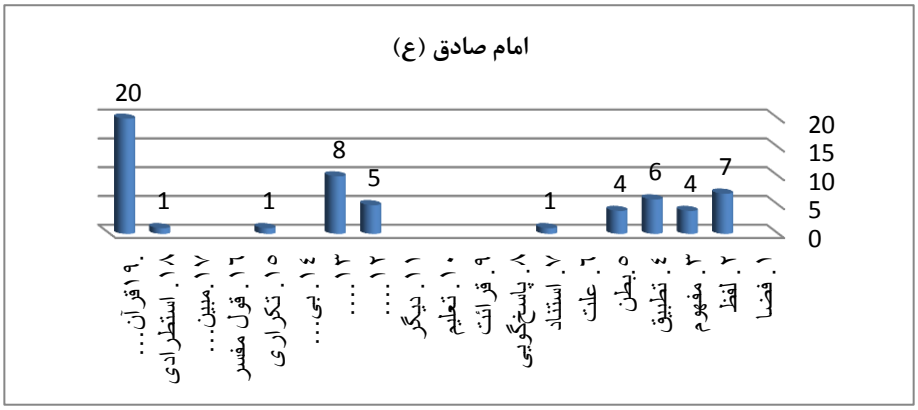

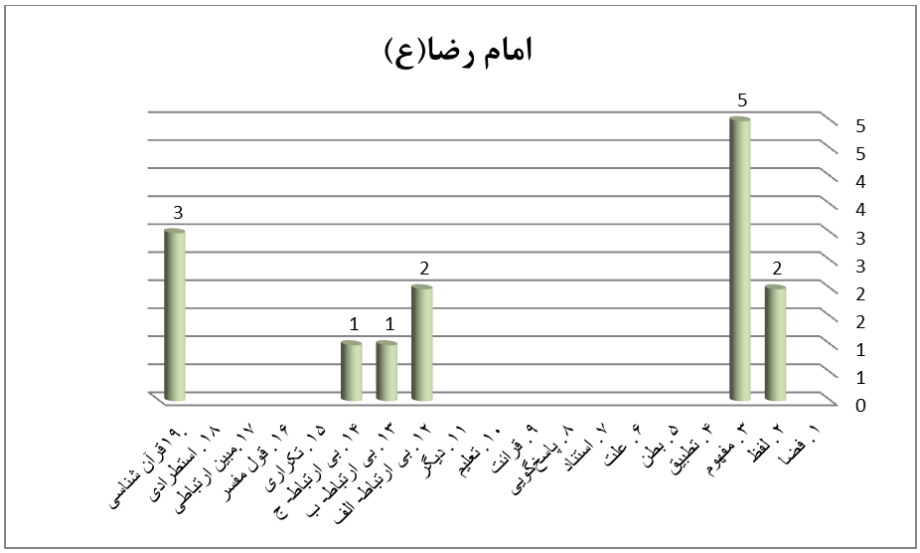

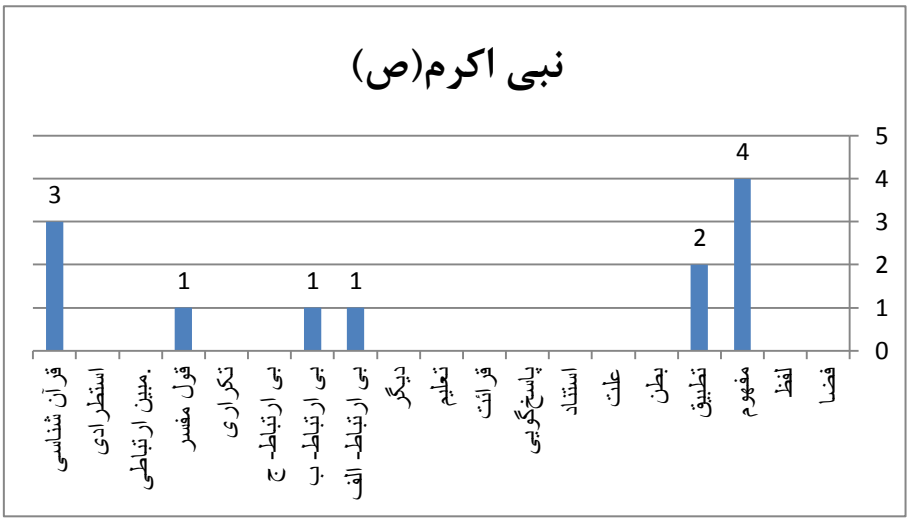

با توجه به سه نمودار ارائه‌شده، رتبه اول تا سوم روایات به شکل ذیل است:

نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله: به ترتیب گونه مفهوم (۴عدد) دارای تأثیر مستقیم در تفسیر، گونه تطبیق (۲عدد) به عنوان تکمیل‌کننده بحث تفسیر، روایات بی‌ارتباط الف و ب و قول مفسر هرکدام (۱عدد) که تأثیری در تفسیر قرآن ندارد.

امام صادق علیه‌السلام: به ترتیب روایات بی‌ارتباط ب (۸عدد) بدون تأثیرگذاری بر تفسیر، گونه

لفظ (۷عدد) به عنوان مقدمه تفسیر، گونه تطبیق (۶عدد) در جایگاه تکمیل‌کننده مباحث تفسیری هستند.

امام رضا علیه‌السلام: به ترتیب گونه مفهوم (۵عدد) دارای تأثیر بر تفسیر، روایات بی‌ارتباط الف و لفظ هرکدام (۲عدد) که اولی بی‌ارتباط با تفسیر و دومی به عنوان ابزار مقدماتی برای تفسیر، بی‌ارتباط ب و ج هرکدام (۱عدد) که تأثیری بر تفسیر ندارند.

نتایجِ این بخش با توجه به جدول شماره ۳ کنترل و پایایی، تأییدکننده نتایج اولیه به دست آمده بر اساس مقوله‌ها و زیر مقوله‌هاست.

۵. فراوانی گونه‌های مختلف بر محور کتاب و منبع

تفسیر *نورالثقلین* در بیان روایات از منابع مختلفی بهره گرفته که از حیث اعتبار منبع در درجات مختلفی هستند.

منابع *نورالثقلین* عبارت‌اند از: ۱. احتجاج، ۲. استبصار، ۳. الغیبة، ۴. الخرایج و الجرایح، ۵. امالی صدوق، ۶. امالی طوسی، ۷. ارشاد مفید، ۸. اعتقادات امامیة، ۹. اهلیلجه، ۱۰. کافی، ۱۱. بصائر الدرجات، ۱۲. تفسیر ثعلبی، ۱۳. تفسیر قمی، ۱۴. تفسیر عیاشیّ ۱۵. تفسیر واحدی، ۱۶. تلخیص الاقوال، ۱۷. تهذیب الاحکام، ۱۸. توحید صدوق، ۱۹. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ۲۰. خصال، ۲۱. جوامع الجامع، ۲۲. روضه الواعظین، ۲۳. سعد السعود، ۲۴. صحیفه سجادیه، ۲۵. طب الائمه علیهم‌السلام، ۲۶. عیون الاخبار، ۲۷. علل الشرایع، ۲۸. غوالی اللئالی، ۲۹. قرب الاسناد، ۳۰. کمال الدین، ۳۱. کشف المهجه، ۳۲. کتاب دوریستی، ۳۳. مصباح الزائر، ۳۴. مصباح الشریعه، ۳۵. مصباح طوسی، ۳۶. مصباح کفعمی، ۳۷. المحاسن، ۳۸. مجمع البیان، ۳۹. مهج الدعوات، ۴۰. معانی الاخبار، ۴۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ۴۲. مناقب ابن شهرآشوب، ۴۳. نهج البلاغه.[۲۸]

۲۸. تفسیر نورالثقلین، ج۱، ص۲-۳؛ «آسیب‌شناسی روایات تفسیری»، ص۳۲۵-۳۳۸.

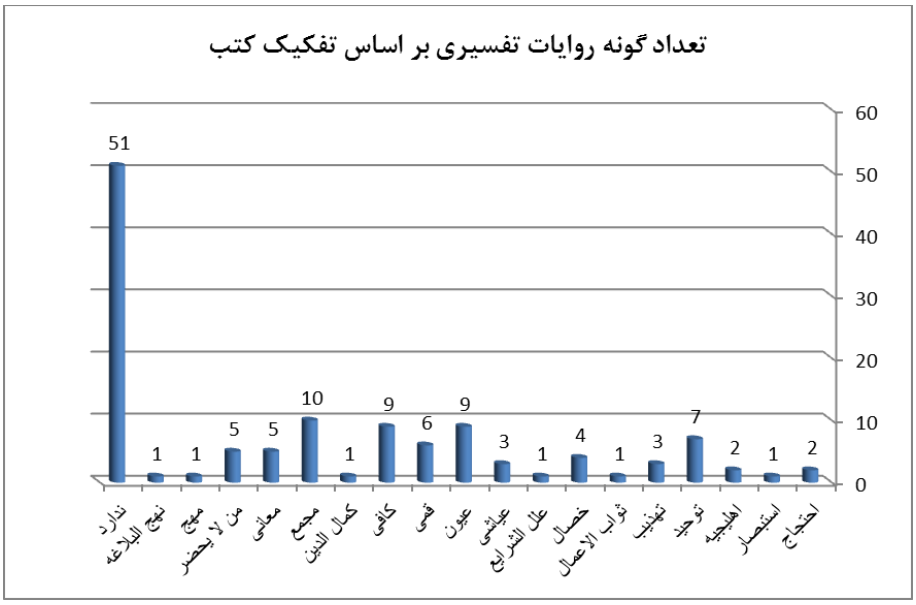

درجمع‌بندی نتایج، روایاتی که منبع آن ذکر نشده، به دلیل پراکندگی و مبهم‌بودن کتاب‌های منبع، مورد عنایت نیست.

بالاترین تعداد گونه‌ها به ترتیب متعلق به کتاب *مجمع البیان*، کتاب *الکافی* وکتاب *عیون اخبارالرضا* علیه‌السلام است که رتبه اول تا سوم گونه روایات دراین کتب به قرارذیل است:

مجمع البیان: گونه مفهوم (۳ عدد) که دارای تأثیر مستقیم برتفسیراست، گونه تطبیق (۲ عدد) که کمک‌کننده مباحث تفسیری است، بی‌ارتباط ب (۱ عدد) که تأثیری برتفسیرندارد.

الکافی: گونه مفهوم وروایات بی‌ارتباط ب هرکدام (۲ عدد) که اولی دارای تأثیربرتفسیرو دومی بدون تأثیرگذاری است، بی‌ارتباط ج (۱ عدد) که تأثیری برتفسیرندارد.

عیون اخبارالرضا: گونه مفهوم (۲عدد) که برتفسیرتأثیرگذاراست، گونه تعلیم وروایات بی‌ارتباط الف وب وج هرکدام (۱عدد) که اوّلی تعلیم روش تفسیراست ومابقی بدون تأثیرگذاری برتفسیر.

بدین‌ترتیب دراین مرحله ازکنترل وپایایی هم طبق جدول شماره ۳ پایایی، نسبت نتایج اولیه تأیید می‌شود.

۶. فراونی گونه‌های مختلف بر محور دوره و قرن

حایز اهمیت بودن این محور از این جهت است که در قرن‌های مختلف، با وجود فضای فکری و فرهنگی و اجتماعی متفاوت، با وجود سطح مخاطبان مختلف، استفاده از کدام نوع گونه مورد استفاده اهل بیت علیهم‌السلام بوده است.

در محاسبه قرن‌ها با مبنای زمان، قرن اول از زمان نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله تا دوره امام سجاد علیه‌السلام، قرن دوم از زمان امام باقر علیه‌السلام تا امام رضا علیه‌السلام، و قرن سوم از زمان امام جواد علیه‌السلام تا زمان امام حسن عسکری علیه‌السلام در نظر گرفته شده است.

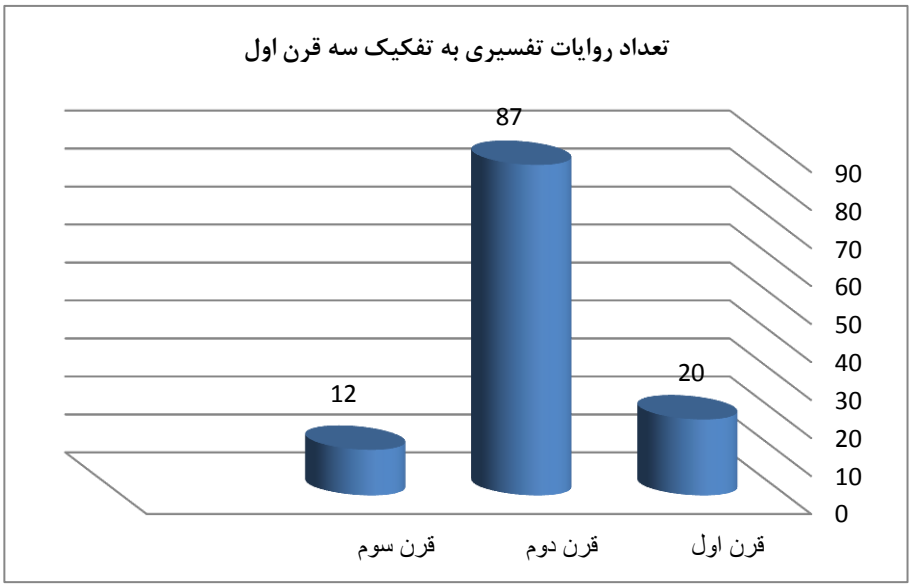

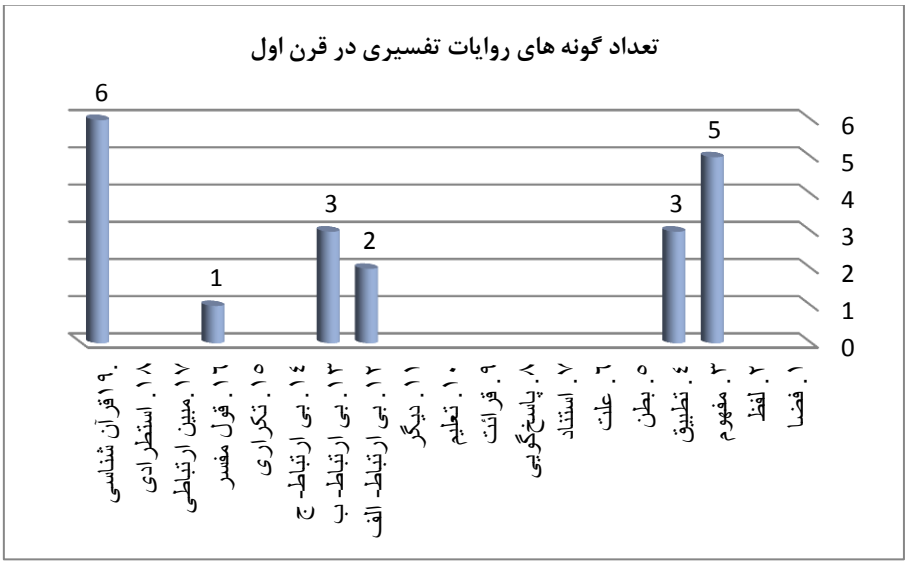
تعداد گونه های روایات تفسیری در قرن اول
6
1
3
2
3
5
0
1
2
3
4
5
6
۱. فضا
۲. لفظ
۳. مفهوم
۴. تطبیق
۵. بطن
۶. علت
۷. استناد
۸. پاسخ‌گویی
۹. قرائت
۱۰. تعلیم
۱۱. دیگر
۱۲. بی ارتباط- الف
۱۳. بی ارتباط- ب
۱۴. بی ارتباط- ج
۱۵. تکراری
۱۶. قول مفسر
۱۷. مبین ارتباطی
۱۸. استطرادی
۱۹. قرآن شناسی

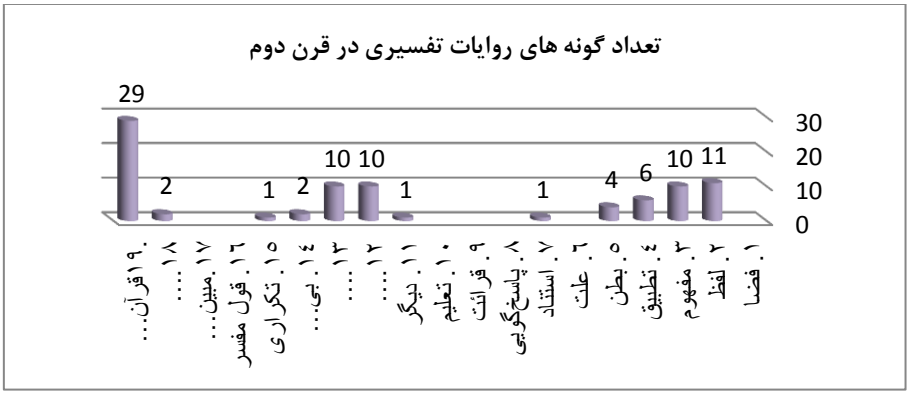
تعداد گونه های روایات تفسیری در قرن دوم
29
2
1
2
10
10
1
1
4
6
10
11
0
10
20
30
۱. فضا
۲. لفظ
۳. مفهوم
۴. تطبیق
۵. بطن
۶. علت
۷. استناد
۸. پاسخ‌گویی
۹. قرائت
۱۰. تعلیم
۱۱. دیگر
۱۲. ....
۱۳. ....
۱۴. بی...
۱۵. تکراری
۱۶. قول مفسر
۱۷. مبین...
۱۸. ....
۱۹. قرآن...

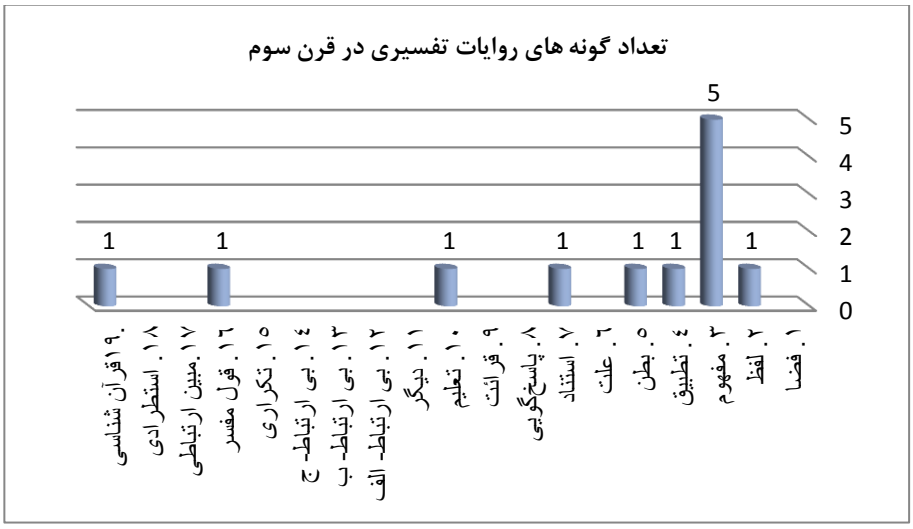

رتبه اول تا سوم گونه‌ها در قرون اول تا سوم به ترتیب با این توضیح قابل ارائه است:

قرن اول: گونه مفهوم (۵عدد) با تأثیرگذاری مستقیم بر تفسیر، گونه تطبیق و روایات بی‌ارتباط (ب) هرکدام (۳عدد) که اولی مکمّل مباحث تفسیر و دومی بدون تأثیرگذاری بر تفسیر است، بی‌ارتباط (الف) (۲عدد) که تأثیری بر تفسیر ندارد.

قرن دوم: گونه لفظ (۱۱عدد) که ابزار مقدماتی تفسیر است، گونه مفهوم و روایات بی‌ارتباط الف و ب هرکدام (۱۰عدد) که اولی دارای تأثیر مستقیم بر تفسیر و دو مورد بعدی تأثیری بر تفسیر ندارد، گونه تطبیق (۶ عدد) که در نقش تکمیل‌کننده مباحث تفسیری است.

قرن سوم: گونه مفهوم(۵عدد) که تأثیر مستقیم بر تفسیر دارد، تعدادی از گونه‌ها (۱عدد)

با نتایج حاصل در این مرحله از کنترل و پایایی (طبق جدول شماره ۳ پایایی)، مجدداً نسبت نتایج اولیه از حیث کمّی و کارکردی تأیید می‌شود.

۷. تحلیل جایگاه گونه‌ها نسبت به یکدیگر از حیث کمّی و کارکردی[۲۹]

- با توجه به جداول و نمودارهای فوق، بدون احتساب روایات قرآن‌شناسی، گونه روایت تفسیری ایضاح مفهومی رتبه اول، روایات بی‌ارتباط (ب) و بی‌ارتباط (الف) رتبه دوم، و گونه لفظ، دارای رتبه سوم در بین گونه‌ها هستند که هدف و جایگاه آن نسبت به تفسیر بدین شکل قابل توضیح است:

۲۹. جمع‌بندی نهایی، بعد از اتمام ۱۱۴ سوره، قابل انجام خواهد بود.

- هدف اصلی گونه رتبه اول؛ یعنی ایضاح مفهومی، کشف معنا بوده و مقصود آن، توضیح آیات است.

- رتبه دوم از آن روایات بی‌ارتباط تفسیری است که در روایات بی‌ارتباط (ب)، آیه در روایت وجود دارد؛ ولی مطالب روایت در موضوعی غیر از محتوای آیه است. در روایات بی‌ارتباط (الف)، آیه در روایت وجود ندارد؛ اما روایت در رابطه با محتوای آیه صحبت می‌کند. بدین ترتیب این نوع روایات را با توجه به مقصود روایات تفسیری از نظر محتوایی، نمی‌توان جز روایات تفسیری به حساب آورد.

- رتبه سوم مربوط به گونه لفظ است که به مثابه مقدمات تفسیر شناخته می‌شود.

نتیجه: فراوانی گونه ایضاح مفهومی بیشتر است که در تفسیر قرآن تأثیر مستقیم دارد؛ اما در رتبه بعدی روایات بی‌ارتباط تفسیری قرار دارد که نقش تأثیرگذاری در تفسیر قرآن ندارد.

- در ارتباط بین روایات با امامان، بیشترین آمار نقلِ روایت، به ترتیب متعلق به امام صادق، امام رضا و نبی اکرم علیهم‌السلام است.
- به طور کلی با دقت در جدول گونه‌ها و اسامی امامان، روشن می‌شود که در همه موارد گونه مفهوم دارای رتبه اول است یا در برخی موارد با گونه‌های دیگر هم رتبه است یا این‌که در تعدادی روایات، کل آمار روایت ۱ است و آن هم از آن یک گونه غیر از مفهوم بوده است.
- از میان مواردی که تعداد روایات قابل توجه است، رتبه اول از آن گونه ایضاح مفهومی است. فقط در زمان امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام است که به ترتیب، روایات بی‌ارتباط (الف) و بی‌ارتباط (ب) دارای رتبه اول هستند. به نظر می‌رسد علت آن به دوره و فضای فرهنگی و اجتماعی صادقین علیهما‌السلام بازگردد؛ ضمن آن‌که طبق توضیحات قبلی نمی‌توان آن‌ها را روایت تفسیری قلمداد کرد؛ بلکه تنها با معنا و مضمون آیه ارتباط دارند. در آن دوره به دلیل نقل روایات مختلف از صادقین، علاوه بر زمینه‌های موجود در مورد روایات منتسب یا روایت نقل شده از زبان و فهم راوی، شاهد روایات تکراری بی‌ارتباط از طرف راویان نیز هستیم که جمع این موارد موجب شده که آمار روایات بی‌ارتباط تفسیری افزوده شود.
- در جمع‌بندی آمار روایات در قرن دوم که صادقین علیهما‌السلام در آن دوره‌اند، نشان می‌دهد که گونه ایضاح مفهومی، روایات بی‌ارتباط الف و ب، هر سه در رتبه دوم و با آمار ۱۰ عدد هستند و رتبه اول از آن گونه لفظ با آمار ۱۱ عدد است.

نتیجه: روشن می‌شود که فارغ از زمان صادقین و با توجه به نتیجه حاصل‌شده از قرن دوم که مربوط به زمان آنان است، به طورکلی فراوانی گونه ایضاح مفهومی بیشتر است. حتی با در نظرگرفتن زمان صادقین با لحاظ آن‌که بی‌ارتباط‌ها جزو روایات تفسیری در نظرگرفته نمی‌شوند و با توجه به تفاوت یک عددی رتبه اول ایضاح لفظی با ایضاح مفهومی، جایگاه ایضاح مفهومی دارای اولویت است. و در رتبه بعد روایات بی‌ارتباط تفسیری حضور دارد.

در نتیجه به طور نسبی در زمان همه ائمه علیهم‌السلام، استفاده از گونه ایضاح مفهومی و کارکرد آن برای بیان نکات تفسیری دارای رتبه اول است.

- در ارتباط بین روایات تفسیری و کتب، توجه به آن‌که روایات تفسیری و به طور خاص گونه ایضاح مفهومی در مجموع از چه منابع و با چه درجه اعتباری نقل شده‌اند، نشان از قوّت یا عدم قوّت علمی آن گونه خواهد داشت. در نهایت، فایده به دست آمده این است که مشخص می‌شود چه تعداد از روایاتِ مهم‌ترین گونه روایات تفسیری از منابع دسته اول است.

بدون احتساب روایات با منبع «ندارد»، بالاترین آمار به ترتیب از آن کتاب *مجمع البیان*، کتاب *الکافی* و کتاب *عیون اخبار الرضا* است که در جمع‌بندی نهایی از سه کتاب ذکر شده، بالاترین آمار گونه، مربوط به گونه روایات تفسیری ایضاح مفهومی است.

نتیجه: فراوانی گونه ایضاح مفهومی در هر سه کتاب بیشتر است و به طور نسبی سه منبع جز منابع معتبر شیعه شناخته می‌شوند.

- در ارتباط بین روایات و قرن، تعداد روایات تفسیری به ترتیب در قرن دوم، سپس قرن اول و بعد قرن دوم دارای فراوانی بیشتری است. در قرن اول و سوم گونه ایضاح مفهومی دارای برتری است و در قرن سوم با وجود آن‌که ابتدا گونه لفظ (۱۱ عدد) و گونه ایضاح مفهومی و روایات بی‌ارتباط (الف) و (ب) با یک فراوانی کمتر (۱۰عدد) در رتبه بعدی قرار دارند؛ ولی در جمع‌بندی کلی مشخص می‌شود که فراوانی گونه ایضاح مفهومی بیشتر است.

نتیجه: در دوره‌های مختلف و با لحاظ تفاوت در فضای فکری و فرهنگی و اجتماعی، حتی با وجود تفاوت‌های سیاسی و جغرافیایی و مسلماً تفاوت در سطح مخاطبان دوره‌های مختلف، استفاده از گونه ایضاح مفهومی با توجه به قابلیت و کارکرد آن برای ائمه دارای اولویت بوده است.

۸. تحلیل رابطه گونه برتر با گونه‌های دیگر روایات تفسیری

گونه برتر، گونه ایضاح مفهومی است. مراد از ایضاح مفهومی، آن است که حدیث به توضیح و تبیین نسبت در آیه می‌پردازد؛ نسبت میان یک جمله یا چند جمله مراد است.[۳۰] مقایسهٔ گونه ایضاح مفهومی با سایر گونه‌ها، نسبت‌ها و تفاوت‌های را روشن می‌سازد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

الف: هدف اصلی گونه ایضاح مفهومی، کشف معنا بوده و مقصود آن، توضیح آیات است. بدین لحاظ ارتباط جدی‌تر و عمیق‌تری بین آن و تفسیر در قیاس با گونه‌های دیگر وجود دارد؛ چراکه گونه‌های دیگر یا تأثیرشان در تفسیر غیر مستقیم است؛ مثل گونه ترسیم فضای نزول و بیان اختلاف قرائات، یا به مثابه مقدمات تفسیر عمل می‌کنند؛ مثل گونه ایضاح لفظی، یا کمک‌کننده و تکمیل‌کننده تفسیر است؛ مثل گونه بیان مصداق و بیان لایه‌های مفهومی و بیان علت حکم یا استناد به قرآن، و یا در صدد تعلیم روش تفسیرکردن است؛ مثل گونه تعلیم تفسیر.

ب: روایات تفسیری مفهومی، گسترده‌ترین گونه روایات تفسیری هستند و لذا بررسی آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.

ج: هر چند همه گونه‌ها تا حدودی قابلیت طبقه‌بندی و تقسیمات درونی را دارا هستند، اما گونه روایات تفسیری مفهومی از حیث تنوعِ تقسیم و تعدادِ هر نوع، قابلیت تقسیم و طبقه‌بندی گوناگون‌تر و جامعه آماری بیشتری را داراست؛ به طور مثال ناسخ و منسوخ بودن روایات تفسیری را اگر نگوییم قسم انحصاری این گونه باشد، حداقل آن است که طبق قابلیت این گونه، دارای تعداد افزون‌تری در نسبت به گونه‌های دیگر خواهد بود.[۳۱]

---

۳۰. به طور مثال: *تفسیر نورالثقلین*، ج۱، ص۴۳۹، ح۳۶.

۳۱. طبقه‌بندی گونه ایضاح مفهومی و گونه‌های دیگر، مدّنظر گروه تحقیقِ ذکرشده بوده است؛ چراکه با تأمل و ایجاد محور در طبقه‌بندی هر گونه، نوع بیان، روش‌های توضیح، جایگاه پرسش‌گر و پاسخ‌گو، نکات محوری پاسخ‌گو، نکات محل تأمل پرسش‌گر و... به طور دقیق‌تری قابل ارزیابی خواهد بود. اقسام گوناگون ایضاح مفهومی؛ مثل: عام و خاص، مطلق و مقید، بیان ناسخ و منسوخ در تحلیل و فهم روایت، مهم است. به اعتبار روش (قرآن به قرآن، عقلی، مزجی و...) روشن می‌کند معصومان برای توضیح و تبیین مطلب بیشتر از چه روشی بهره می‌گیرند. شناخت این نکته و سنجش آن در مراحل بعدی نسبت به سطح مخاطبان و عصر صدور حدیث، در تحلیل شرایط آن عصر، فهم فضا و جو صدور حدیث موثر است. یا به اعتبار موضوع (اعتقادی، اخلاقی، تاریخی، فقهی و...) که رصد و ارزیابی موضوعات مطرح‌شده، حاکی از نیازها و مشکلات و اقتضائات علمی آن دوره خواهد داشت، و می‌توان به تحلیل موقعیت فردی و اجتماعی آن دوره پرداخت یا به اعتبار میزان وابستگی در فهم به معصوم (انحصاری و غیرانحصاری) هدف اصلی از تعیین این ملاک، تعیین میزان نیازمندی ما به معصومان در تفسیر قرآن است که البته نیازمند تعیین شاخص است یا ←

به همین جهت است که استفاده از این گونه با توجه به قابلیت‌های موجود در آن و کارکردهای متنوع آن، برای ائمه علیهم‌السلام به عنوان معلمان تفسیر حایز اهمیت بوده است.

۹. تحلیل سهم تأثیرگذاری گونه برتر نسبت به گونه‌های غیرتأثیرگذار بر تفسیر

از آن‌جا که مهم‌ترین و پردامنه‌ترین گونه روایات تفسیری متعلق به گونه ایضاح مفهومی است به نظر می‌آید با طرح مباحثی چون گزارش آماری از این روایات و طبقه‌بندی آنها، بررسی رویکرد ائمه در طرح این نوع روایات و نسبت آن با تفسیر قرآن و نیز بررسی تعبدی بودن یا تعلیمی بودن رویکرد ائمه علیهم‌السلام در بیان این روایات، بتوان تا حد زیادی پاسخگوی نقطه ابهام در رابطه با دو منبع قرآن و حدیث و تعیین نوع وابستگی آن در حوزه تفسیر نسبت به هم بود. هرچند لازم است این مهم در نگاشتی جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد؛ ولی با نگاه اجمالی به گونه روایت تفسیری ایضاح مفهومی و طبقه‌بندی کمّی و کارکردی آن در این گونه به نظر می‌رسد رویکرد و هدف ائمه از طرح این گونه روایات، وابسته کردن قرآن به تبیین و توضیح خودشان نبوده، بلکه در صدد بودند به تناسب فضا و ویژگی‌های مخاطب و به قصد تعلیم و ایفای نقش تربیتی خود، لایه‌های مختلف معنایی آیات را بیان نمایند.

به عبارتی در همه موارد، قصد ائمه متعبدکردن مخاطب به روایات تفسیری نقل شده نیست، بلکه به عنوان ارائه روش و الگو و در قالب نقش تعلیمی به ذکر روایات تفسیری پرداخته‌اند؛ چراکه علاوه بر کارکرد گونه روایات تفسیری ایضاح مفهومی، آمار مربوط به روایات بی‌ارتباط تفسیری (بی‌ارتباط الف و ب) و روایات بی‌ارتباط موضوعی (بی‌ارتباط ج) نشان‌گر آن است که تعداد قابل توجهی از روایاتی که ظاهرا در طبقه‌بندی روایات تفسیری قرار می‌گیرند، از نظر محتوایی ارتباطی با مباحث تفسیری ندارند. از طرفی دیگر با آمار روایات «دیگر»، «تکراری»، «قول مفسر» و «استطرادی» مواجه هستیم که با افزودن این آمار به روایات بی‌ارتباط، نکته مورد اشاره تأکید می‌شود.

جمع‌بندی

در تحلیل و ارزیابی روایات تفسیری سوره حمد بر اساس مقوله‌بندی، کدگذاری و کنترل و

به اعتبار موقعیت اظهار نظر امام (در مقام احتجاج، استدلال به آیه، پاسخ اقناعی، برداشت اقتباسی از آیه ...) فایده این محور، آشنایی با انواع الگوی گفتمانی معصومان است که حکایت از سطح فکری و فرهنگی و علمی مردم آن دوره دارد؛ چراکه سطح مخاطب، عامل مهمی در روش و انتخاب نوع گفتمان با مخاطب خواهد بود.

پایایی صورت‌گرفته، روشن شد که گونه ایضاح مفهومی از حیث کمّی و کارکردی جایگاه برتری دارد. این گونه در مقوله از حیث کمّی در مجموع سور ارزیابی شده،[۳۲] در جایگاه اول است و این مطلب، فرضیه گسترده‌ترین و پردامنه‌ترین بودن این گونه را در مورد روایات تفسیری به اثبات می‌رساند.

در مقوله از حیث کارکردی، پردامنه بودن این گونه، دلالت بر دغدغه اهل بیت در توضیح محتوا و مفاهیم آیات دارد. به نظر می‌رسد ترجیح معصومان در تفسیر آیات، بیشتر از آن‌که معطوف به ذکر مصداق و تأویل و لایه‌های معنایی و استناد به آیه و... باشد، ناظر به صلاحدید آنان برای بهره‌گیری از توضیح مفهوم برای مخاطب است؛ هر چند از سوی دیگر اتخاذ این گونه در اکثر موارد از طرف معصومان، نشان‌گر سطح مخاطب و پذیرش بهتر مطالب از جانب او از طریق این شیوه هم می‌تواند باشد. همچنین نتایج به دست آمده در مراحل کنترل و پایایی و سنجش داده‌ها در زمان هر معصوم، دوره‌های مختلف و بر محور منابع معتبر، تأییدکننده نتایج اولیه بود.

قرارگرفتن روایات بی‌ارتباط تفسیری و موضوعی و گونه‌های دیگر - که دارای تأثیرگذاری غیر مستقیم یا غیرتأثیرگذار بر تفسیر هستند - در رتبه‌های بعدی، حاکی از آن است که دغدغه اصلی اهل بیت علیهم‌السلام لزوماً ارائه تفسیر و انحصارکردن توضیح و فهم آیات به بیان و تبیین خودشان و به شیوه تعبدی نبوده است؛ یعنی تفسیر قرآن دارای وابستگی تام به این نوع روایات نخواهد بود. به عبارتی، هدف اهل بیت علیهم‌السلام در روایات مفهومی، بیان نشانه، شاهد، ارائه الگو و روش در زمینه تفسیر و در نقش تعلیمی بوده است، نه وابسته کردن مخاطب به روایت برای فهم و تفسیر قرآن (به صورتی که اگر روایات نباشد تفسیر صحیح قرآن ممکن نباشد). در نتیجه روایات تفسیری دارای نقش مساعدتی در فهم آیه هستند که اگر برخی از این روایات نباشند و یا باشند و حجت نباشند، خللی در فهم تفسیر به وجود نخواهد آمد.

کتابنامه

- *تفسیر نورالثقلین*، علی بن جمعه حویزی، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات دارالتفسیر، ۱۴۲۶ق.
- *جزوه جایگاه علم حدیث در فرهنگ اهل بیت*، محمدعلی ایازی، دانشگاه آزاد اسلامی

۳۲. تاکنون نتایج سور ارزیابی شده توسط محققان علاقه‌مند به این موضوع که قبلا به آن اشاره شد، تائیدکننده این فرضیه است.

واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۰.
- درآمدی بر تفسیر جامع روایی، محمد محمدی ری‌شهری، قم: انتشارات موسسه علمی دارالحدیث،۱۳۹۰.
- *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
- «آسیب‌شناسی روایات تفسیری»، علی‌اکبر رستمی، *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۲۵-۲۶، ص۳۲۲-۳۴۳.
- «تحلیل محتوای کیفی»، محمد تقی ایمان و محمد رضا نوشادی، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص۱۵ ـ ۴۴.
- «تحلیلی از جایگاه قرآن‌شناسی اهل بیت در روایات کلینی»، محمدعلی ایازی، http://kwww.ayazi.net
- «جایگاه روایت در تفسیر قرآن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله معرفت»، علی ناصح، *مجله پیام جاویدان*، بهار۱۳۸٤، شماره ٦، ص٦٧-٨٦.
- «جایگاه سنت در تفسیر قرآن به قرآن»، علی مدبراسلامی، گروه تفسیر موضوعی مرکز فرهنگ و معارف قرآن سایت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
- «روایات تفسیری شیعه، گونه‌شناسی و حُجّیت»، مهدی مهریزی، *مجله علوم حدیث*، سال۱۵، ۱۳۸۹ش، شماره۱، ص٤-۳٤.
- «روش تحقیق کیفی»، احمد محمدپور، ج۱و۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- «روش‌شناسی تفسیر موضوعی در روایات اهل بیت علیهم‌السلام»، علی راد و مسعود حسن‌زاده‌گلشانی، دوفصلنامه تفسیر اهل بیت علیهم‌السلام، سال اول، شماره۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.
- «طرحی نو در تبیین غنای تفسیری در احادیث اهل بیت»، محمد احسانی‌فر، *فصلنامه علوم حدیث*، بهار و تابستان۱۳۸٤، ش۳۵ و۳٦، ص۲۵۸-۲۷۳.
- «علامه مجلسی و تعامل با روایات تفسیری اهل بیت»، علی نصیری، *مجله علوم حدیث*، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۲۲، ص٥٤-٧٤.
- «کاربرد حدیث در تفسیر»، محمدهادی معرفت، *فصلنامه الهیات و حقوق*، پاییز۱۳۸۰، شماره ۱، ص۱٤۱-۱٤٦.

- «گونه‌شناسی آیات مهدویت بر اساس روایات تفسیری»، محمدعلی رضایی‌اصفهانی، *فصلنامه انتظار موعود*، زمستان ۱۳۸۸، شماره۳۱، ص۵۱-۷۸.
- «گونه‌شناسی روایات امام رضا علیه‌السلام»، عباس مصلائی پوریزدی و محسن دیمه کارگراب، *حدیث پژوهی*، سال دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۳، ص۳۷-۶۶.
- «گونه‌شناسی روایات تفسیری در البرهان فی تفسیر القرآن»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، مهدی خوشدونی، استاد راهنما دکتر عبدالهادی فقهی‌زاده، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران،۱۳۹۰.
- «گونه‌شناسی روایات تفسیری»، مهدی رستم‌نژاد، *حسنا*، تابستان ۱۳۸۸، شماره۱، ص۱۶-۳۶.
- «گونه‌شناسی و روش‌شناسی روایات تفسیری امام صادق علیه‌السلام»، رضا مؤدب و کامران اویسی، *دوفصلنامه پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۰، ص۵-۲۹ .
- «گونه‌ها و روش‌های تفسیر امام علی علیه‌السلام در روایات تفسیری اهل سنت»، حسین خاکپور و احمد عابدی، *پژوهش‌نامه علوی*، بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره ۳، ص۳۱-۴۰.
- «گونه‌های روایات تفسیری امام سجّاد علیه‌السلام در حوزه تعیین مصداق»، سهیلا جلالی‌کندری و عذرا میثاقی، *مطالعات قرآن و حدیث*، دانشگاه امام صادق، تابستان ۱۳۹۰، دوره ۴، شماره ۸، ص۲۷-۶۶.
- «مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی»، محمد تقی ایمان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- «نقد و بررسی شاخصه‌های تفسیر، تأویل و تطبیق؛ جهت گونه‌شناسی و تفکیک روایات تفاسیر روایی»، پایان‌نامه، حسین محمدی‌فام، استاد راهنما: دکتر علی محمدی آشنانی، دانشکده علوم و فنون قرآنی تهران: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، ۱۳۹۰.